

به نام خداوند جان و خرد

پند و شاهنامه

محمدرحمانی

انتشارات سمرقند

پندهای شاهنامه

سرشناسه: رسولی، محمد، ۱۳۵۰ - عنوان قرارداد: شاهنامه، برگزیده عنوان و نام پدیدآور: پندهای شاهنامه / محمد رسولی مشخصات نشر: تهران: سمرقند، ۱۳۹۱. مشخصات ظاهری: ۱۵۷ ص. شابک: ۹۷۸۹۶۴۷۷۷۵۳۸۰	وضعیت فهرست‌نویسی: فیا. موضوع: فردوسی، ابوالقاسم، ۳۲۹-۴۱۶ق. شاهنامه -- اخلاق. موضوع: شعر فارسی -- قرن ۴. رده‌بندی دیوئی: ۸۷۲ / ۸ شماره کتابشناسی ملی: ۳۲۹۶۴۰۲
---	--



انتشارات سمرقند

محمد رسولی

پندهای شاهنامه

چاپ سوم / چاپ نخست انتشارات سمرقند ۱۳۹۱

شمارگان: ۲۰۰ جلد

طراح جلد: عباس اسلامی

صفحه آرای: مریم السادات موسویان

شابک: ۹۷۸۹۶۴۷۷۷۵۳۸۰

حق چاپ برای مولف محفوظ است
samarghandpub@yahoo.com

همراه: ۰۹۱۲۷۲۵۳۱۸۰

فهرست نوشته‌ها

۵	سرآغاز.....
۱۱	پند و اندرزهای خداشناسی.....
۲۷	دنیا.....
۴۷	ستایش عقل و خرد.....
۵۵	پند و اندرزهای تربیتی و اخلاقی.....
۱۳۹	پند و اندرز در باب زنان.....
۱۴۳	دادگری.....
۱۴۹	پند و اندرز درباره ی فرزند.....
۱۵۵	راستی.....

سرآغاز

به نام خداوند جان و خرد کزین برتر اندیشه برنگذرد

این سرآغاز کتابی است که از بسیاری از دانش‌ها در آن وجود دارد و سرآمد حماسه‌نویسی‌ها نیز می‌باشد. شاهنامه فردوسی یادآور جنگ‌ها، رزم‌ها، دلاوری‌ها و شکست‌ها است. حال آن‌که وقتی می‌خوانیم: به نام خداوند جان و خرد و ... خواننده بر این باور است که با منظومه‌ای تعلیمی و اخلاقی روبه‌روست و این هنر و ذوق حکیم توس است که تعالیم اخلاقی را در ورای جنگ‌ها و پهلوانی‌ها می‌آورد. شاهنامه بیانگر تاریخ و فرهنگ این مرز و بوم است و فردوسی گزارش‌گر صادق این تاریخ که با دل‌سوزی و بردباری آن را به تصویر کشیده است.

در کدام اثر حماسی و فرهنگی است که سراینده در ابتدا این گونه خرد را بستانید؟ شاهنامه خرد را ستوده و پایه‌ای رفیع بدان بخشیده که «برتر از هر چه هست در جهان» نامش نهاده است. کدام ملت را می‌توان شناخت که ضمن بیان پیشینه‌ی تاریخی خود طی حماسه‌های منظوم خرد و دانش را چنین ارج نهاده باشد؟!

منظومه‌های عاشقانه، عارفانه، اخلاقی - تعلیمی و تاریخی و حکمت هر یک بیانگر یکی از این مضامین هستند و شاهنامه را به تنهایی - می‌توان - در تمام این انواع به حساب آورد.

منظومه‌ای است عاشقانه آن هنگام که داستان‌های دلکش عاشقانه‌ای چون زال و رودابه، بیژن و منیژه، رستم و تهمنه، و ... را به تصویر می‌کشد. اخلاقی - تعلیمی و حکمت است آن هنگام که پند و اندرز می‌دهد و حماسی است آن هنگام که بیانگر جنگ‌ها و لشکرکشی‌های پیشینیان است. از این دید هم چون درختی است که تمامی این میوه‌ها را در کمال رسیدگی و تازگی در خود دارد.

بسیار کتاب‌ها و رساله‌ها است که این کتاب ارزشمند فرهنگ و تاریخ ایران را موضوع سخن خود قرار داده‌اند و هر کدام از منظری بدان پرداخته‌اند و به حق که باز هم کم است و بیش‌تر و بیش‌تر باید در رابطه با دریاهای علم و دانش شاهنامه تحقیق و پژوهش نمود.

حکیم توس با دیدی خردگرایانه اخبار و روایت پیشینیان را به نظم درآورده تا خواننده از رهگذر آن بتواند به فرهنگ و تمدن ملتی برسد که نام ایران، ایران، آریان سرزمین آزادگان بر خود نهاده‌اند.

شاهنامه سرگذشت ملتی است که با عبور از هزاره‌های تاریخی راه تمدن

را طی نموده و با تشکیل دولت‌های هزارساله زندگی کرده است. این کتاب البته دارای رمزهایی است که خواننده‌ی ژرف‌بین باید که راز و رمز آن را دریابد و جای تأسف است بر کسانی که: «چون ندیدند حقیقت ره افسانه زدند» و این گنجینه خرد و دانش و تاریخ پیشینیان را افسانه نام نهادند.

خواننده‌ی آگاه باید بخواند و این حماسه‌ی منظوم را با انواع دیگر آن در جهان، مقایسه نماید. در شاهنامه اگر جنگی گزارش می‌شود و اگر پهلوانی لباس رزم بر تن می‌کند، برای حفظ میهن و دفاع از کیان و ناموس خود است نه برای کین‌خواهی و امیال شخصی، به همین علت شاهنامه حماسه‌ای ملی نام گرفته است.

گاه خود در ابیاتش به رمزگشایی می‌پردازد و می‌گوید:

همی خواند بر کردگار آفرین	کز بود پیروزی و زور کین
تو هر دیو را مردم بد شناس	کسی کو ندارد ز مردم سپاس
هر آن کو گذشت از ره مردمی	ز دیوان کمر مشمر از آدمی
خرد گر برین گفت‌ها نگرود	مگر نیک مغزش همی نشنود

که خود، معنی دیو را مردم بد و بد ذات می‌داند، و دیوان نیز نشان در باور ایرانیان دارد که نیاز و رشک و خشم و آز و کین را پنج دیو می‌دانستند که اگر در وجود فرد رخنه کند هلاک خواهد شد.^۱

۱- البته به تحقیق معلوم شده که در اصل دیو معنای دیگری داشته است و در مقابل مزدیسنا- دیویسنا

می‌گفتند. یعنی در ابتدا دیو معنی بدی نداشته است.

دهاند اهرمن هم به نیروی شیر
بدو گفت کسری که ده دیو چیست
چنین داد پاسخ که از و نیاز
دگر خشم و رشکست و ننگست و کین
دهم آنک از کس ندارد سپاس
بدو گفت ازین شوم ده با گزند
چنین داد پاسخ به کسری که از
که او را نبینند خشنود ایچ
نیاز آنک او را ز اندوه و درد
کزین بگذری خسرو دیو رشک
اگر در زمانه کسی بی گزند
دگر ننگ دیوی بود با ستیز
دگر دیو کینست پر خشم و جوش
نه بخشایش آرد برو بر نه مهر
دگر دیو تمام کو جز دروغ
بماند سخن چین و دوری دیو
میان دو تن جنگ و کین آورد
دگر دیو بی دانش و ناسپاس
به نزدیک او رای و شرم اندکیست

که آرند جان و خرد را به زیر
کزیشان خرد را بیاید گریست
دو دیوند با زور و گردن فراز
چو نَمّام و دوروی و ناپاک دین
به نیکی وهم نیست یزدان شناس
کدامست اهرمن زورمند
ستمکاره دیوی بود دیرساز
همه در فزونیش باشد بسیج
همی کور بینند و رخساره زرد
یکی دردمندی بود بی پزشک
به تنندی شود جان او دردمند
همیشه به بد کرده چنگال تیز
ز مردم بتابد گه خشم هوش
دژ آگاه دیوی پر آژنگ چهر
نداند زانند سخن با فروغ
بریده دل از بیم کیهان خدیو
بکوشد که پیوستگی بشکرد
نباشد خردمند و نیکی شناس
به چشمش بدو نیک هر دو یکیست
باید توجه داشت که دیو در ایران کهن بد نبوده است. ولی به هر حال در

دگرگونی‌های سیاسی- اجتماعی- دینی، فلسفی از حدود سی و هفت سده‌ی پیش دیو در گفتار مرسوم به عنوان مظهر شریر و اهریمنی رایج شده است لذا بدی‌های شناخته شده مثل رشک، دروغ و آز را نیز با پاژنام دیو آورده‌اند.

به هر روی خردمند حکیم توس پس از فراز و فرود پادشاهان و پس از وصف جنگ‌ها و شکست و پیروزی‌ها پند و اندرز می‌دهد و رویدادهای روزگار را برای درستی پند خود دلیل و شاهد قرار می‌دهد. باید یادآور شد که بنا به یک نظر و احتمال که نتیجه‌ی پژوهش‌ها هم آن را تأیید می‌کند، ایرانیان عهد کهن یک دانش‌نامه بزرگ داشته‌اند که هر بخشی از آن ویژه‌ی یک علم بوده است. باقی‌مانده آن دانش‌نامه مستقیم یا به واسطه به دست حکیم توس رسیده است. او به فراخور نیاز ابیات حکمت‌آمیز را از بخش حکمت آن دانش‌نامه به شاهنامه آورده است و خود فردوسی بزرگ هم حکیم آگاه و دانشمندی بوده است. مجموعه‌ی حاضر را از آن رو گردآوردم که پند و اندرز را در شاهنامه به تصویر کشم. بر آن شدم تا تمامی ابیاتی را که حکیم توس در آن به پند و اندرز پرداخته، گردآوری نمایم.

این مجموعه دربردارنده‌ی این مضمون است. ممکن است برخی ابیات دیگر در شاهنامه باشد که پند و اندرز گونه باشد ولی به دلیل این که در بین داستان بوده و بیان آن بیت به تنهایی، پیام‌رسان نبوده است، آورده نشده باشد. امیدوارم که خوانندگان ارجمند و گرامی کتاب حاضر را خوانده و در

آن تامل و اندیشه نمایند که دریچه‌ای کوچک به روی گنجینه‌ای بزرگ است و شاید این نسیم خوش آنان را به بوییدن گل‌های دیگر این گلستان رهنمون شود.

همان‌گونه که گفته شد کتاب ارزشمند شاهنامه، ضمن این که تاریخ ایران هست سراسر آموزنده هم می‌باشد. آموزندگی شاهنامه در جهات گوناگون می‌باشد. این کتاب ضمن این که انسان را با تاریخ آشنا می‌کند و آشنایی با تاریخ موجب افزایش دانش و بینش و خرد آدمی هست، پندهای گوناگونی را هم به انسان ارمغان می‌دارد.

ما در این دفتر پندهای مذکور را در زیر نام‌های مشخص آورده‌ایم تا بهتر قابل بهره‌وری باشد. از پندهای پر حکمت شاهنامه که در قالب ابیات زیبا بیان شده‌اند، ضمن بهره و لذت بردن می‌توان در نوشتار و یا سخنرانی هم آن‌ها را به کار گرفت.